

**مطالعه تطبیقی نظریه سوءاستفاده از حق در حقوق مالکیت فکری در ایران
و آمریکا**

بشری سادات امامی*

محمد مهدی مقدادی**

DOI: 10.22096/law.2023.549369.2015

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲]

چکیده

حقوق مالکیت فکری به وجود آمده است تا از حقوق آفریننده اثر فکری، حمایت حداکثری و انحصاری کند. بنابراین دارنده این حقوق، عملاً نسبت به سایرین در مزیت و برتری قرار می‌گیرد. این امر یکی از ادله اصلی مخالفان اعطای حقوق انحصاری به صاحبان آثار فکری است، چراکه انحصار می‌تواند زمینه‌ساز سوءاستفاده باشد. بنابراین برتری یادشده تا آنجا که فقط صیانت از حقوق دارنده مطرح باشد مطلوب خواهد بود، اما برای جلوگیری از سوءاستفاده دارنده از حقوق خویش در برابر خریدار یا مصرف‌کننده مال فکری، بایستی موضع مشخص نظری و ابزار مناسب عملی در دست داشت تا حقوقی که برای حمایت از آفریننده اثر فکری ایجاد شده‌اند، خود دست‌آویز سوءاستفاده در برابر منافع عمومی قرار نگیرند. این پژوهش در نظر دارد مصادیق سوءاستفاده از حق را در حیطه اموال فکری بیابد و سپس کارکرد نظریه سوءاستفاده از حق را در این موارد استنباط کند. به این منظور، مواردی که دارنده حق فکری به پشتوانه قوانین، وضعیت مسلط و یا امکان سوءاستفاده از حقوق خویش را پیدا می‌کند، در دو دسته حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مالکیت صنعتی بررسی شده و در هر مورد، سیر به کارگیری نظریه سوءاستفاده از حق در نظام‌های غربی به ویژه حقوق آمریکا مرور شده است. در نهایت ضرورت و امکان پیاده‌سازی این نظریه در حقوق داخلی مطرح شده است.

واژگان کلیدی: حقوق مالکیت فکری؛ سوءاستفاده از حق؛ قاعده لاضرر؛ دکتین سوءاستفاده از حق؛ دکتین دست‌های آلوده.

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دپارتمان حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: boshra.emami@alumni.ut.ac.ir

Email: mmeghdadim@gmail.com

** دانشیار، دپارتمان حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران.



مقدمه

حقوق مالکیت فکری عهده‌دار حمایت از آفرینش‌های فکری موجود و ایجاد انگیزه برای آفرینش‌های آینده است. از ادله توجیه‌کننده حمایت از مالکیت فکری، ایجاد اطمینان برای آفرینندگان، درخصوص صیانت از حقوق ایشان است. به این منظور، حقوق مالکیت فکری نظامی بنا نهاده است که به دارندگان آثار فکری، حقوق انحصاری - حقوق مادی محدود به زمان و حقوق اخلاقی دائمی - اعطا کند.

ادله موافقان اعطای حقوق انحصاری در قالب نظریات فلسفی، نظریات اجتماعی، نظریه بازی‌ها و مانند آن بیان گردیده است. اما فارغ از انتخاب هر کدام از نظریات برای توجیه حمایت از مالکیت فکری، عدم حمایت از این حقوق، نوآوری، اختراع، دانش و هنر را به مخاطره خواهد انداخت. از طرفی حمایت از این حقوق نیز با چالش عدم دسترسی جامعه به آفرینش‌ها و ایجاد مانع بر سر راه جریان آزاد اطلاعات روبه‌روست. به همین دلیل، نظام‌های مختلف حقوقی برای حل این مشکل، حمایت از حقوق مادی را محدود به زمان کرده‌اند و از این طریق، میان منافع خصوصی پدیدآورنده اثر و منافع جامعه جمع کرده‌اند. در نتیجه دارندگان، به حکم و پشتوانه قانون، از حقوق انحصاری برخوردار هستند، اما این انحصار، نگرانی فراهم کردن امکان سوء استفاده از حقوق برای دارندگان را دربردارد. به همین دلیل، عده‌ای از مخالفان اعطای حقوق انحصاری در نظام مالکیت فکری، این‌گونه استدلال کرده‌اند که منافع دارندگان و بهره‌برداری انحصاری ایشان از حقوق خویش، عملاً با منافع جامعه در جریان توزیع دانش در تعارض خواهد بود.^۲ بنابراین گفته شده برای اجرای حقوق انحصاری توسط دارندگان این حقوق، بایستی کنترل‌هایی صورت گیرد تا با اعمال این قواعد جلوی سوء استفاده از حق به وسیله دارندگان گرفته شود.^۳

1. The Department of Commerce, *Copyright Policy, Creativity, and Innovation in the Digital Economy* ([n.p]: Createspace Independent, 2014), 5.

2. A central anti-copyright argument is that copyright is not and has never been of net benefit to society and instead serves to enrich a few at the expense of creativity and widespread accessibility of works. The classic argument for copyright is that granting creators temporary monopolies over works—giving them an income will encourage producing future works as well. (See: Fredric P. Miller, Agnes F. Vandome, and John McBrewster, *Anti-copyright: Anti-copyright, Copyright, Internet, Web 2.0, Information technology, Mashup (digital), Anarchist communism, Competition law, Artificial scarcity, Criticism of intellectual property* ([n.p]: Alpha Press, 2009), <https://dl.acm.org/citation.cfm?id=1823438>

3. Guy Tritton and Richard Davis, *Intellectual Property in Europe* (London: Sweet & Maxwell, 2007), 37.

بنابراین در نظامی نوین مانند نظام حقوق مالکیت فکری نیاز است که در عین خدشه دار نشدن هدف اصلی این نظام - یعنی حمایت از حقوق آفرینندگان آثار - با نظریه علمی و ابزار عملی مناسب، راه بر سوء استفاده از حق بسته شود. این تعدیل نظام مالکیت فکری گاه از ساختار درونی امکان پذیر است، بدین معنا که حقوق یا بهره برداری از حقوق دارای استثنائاتی باشد. محل بحث این پژوهش نیز اصلاح درون ساختار است. البته برای تعدیل نظام حقوق مالکیت فکری، نهادهای دیگری مانند کمی لفت^۴، دسترسی آزاد^۵ و مانند آن نیز مطرح می شوند که این پژوهش درصدد پرداختن به آنها نیست.

گفتنی است که سوء استفاده از حق، مفهومی برخاسته از حقوق خارجی است و علی رغم وجود نهادهای مشابه، مانند قاعده لاضرر، به حقوق داخلی راه یافته است. برخی حقوق دانان معتقدند: «به رغم شباهت هایی که بین قاعده لاضرر در حقوق اسلام و ایران از یک طرف، و قاعده سوء استفاده از حق در حقوق فرانسه از طرف دیگر وجود دارد، در حقوق ما این دو قاعده به طور موازی پیش رفته اند، بدون این که رابطه آنها با یکدیگر تبیین و لزوم استفاده از نهاد عاریتی غربی با وجود نهاد مشابه بومی و دینی توجیه گردد.»^۶

مطالعه تطبیقی این نظریه و قاعده لاضرر در فقه و حقوق داخلی، صرف نظر از برخی تفاوت ها، تساوی این دو تئوری در مفهوم و معیار، و رابطه عموم و خصوص من وجه در قلمرو را اثبات می کند.^۷ اما این نوشتار به دلیل آن که سوء استفاده از حقوق مالکیت فکری در نظام های غربی بیشتر پژوهیده شده، بحث اصلی خویش را بر مبنای نظریه سوء استفاده از حق، به ویژه با مطالعه نظام حقوقی آمریکا پیش می برد. تمرکز این پژوهش بر نظام حقوقی آمریکا، به دلیل وجود رویه قضایی در این نظام حقوقی است. اولین بار در دادگاه های این کشور، سوء استفاده از حق دارنده، دفاع مقبولی برای نقض کننده شناخته شده است. در بخش های پیش روی پژوهش، به نحوه شکل گیری دکترین دست های آلوده بر پایه سوء استفاده از حق پرداخته خواهد شد.

علاوه بر این، پیشرو بودن آمریکا در صنعت غذا و دارو، وجود قانون گذاری در زمینه

4. Copyleft.

5. Open Access.

۶. عباس کریمی و هادی شعبانی کندسری، «رابطه منطقی قاعده فقهی لاضرر و قاعده غربی سوء استفاده از حق»، فصلنامه پژوهش های تطبیقی حقوق اسلام و غرب ۱، شماره ۲ (۱۳۹۳): ۱۳۶.

<https://doi.org/10.22091/csiw.2015.567>

۷. کریمی و شعبانی کندسری، «رابطه منطقی قاعده فقهی لاضرر و قاعده غربی سوء استفاده از حق»، ۱۶۱.

حقوق دارویی، غذایی و پزشکی و ثبت اختراعات بی‌شمار در این زمینه‌ها، در عمل منجر به ایجاد انحصار برای شرکت‌های دارنده‌ی اموال فکری، به‌ویژه شرکت‌های دارویی مانند فایزر، با سوءاستفاده از حقوق قانونی آنان شده و در نتیجه موارد روشنی جهت مطالعه تطبیقی پیش پای پژوهش گذاشته است.

گفتنی است که در ظاهر، کشور ایران در زمینه مالکیت فکری بیشتر مصرف‌کننده و واردکننده بوده و به دلیل نداشتن استراتژی کلی برای نظام حقوق مالکیت فکری کشور، نقش فعال و صادرکننده‌ای نسبت به دارایی‌های فکری خود ایفا نکرده است. از آنجا که نظام حقوقی ایران در این زمینه نوپاست و تاکنون استراتژی مشخصی نداشته، قانون‌گذاری محدود به چند قانون بوده که همه آن‌ها با هم، جامعیت کافی را ایجاد نکرده‌اند^۸ و عملاً در زمینه مصادیق جدید و روزافزون مالکیت فکری (از اختراعات پیچیده دارویی تا فناوری‌های جدید دیجیتال مانند رمزارزها) و ضمانت اجراها، حقوق مالکیت فکری کشور به بلوغ کافی نرسیده است.

البته نقص در قانون‌گذاری در زمینه ضمانت اجراهای حقوق مالکیت فکری محدود به ایران نیست. در سطح بین‌المللی نیز تا پیش از تدوین موافقت‌نامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری (تریپس)^۹ نقص ادبیات حقوقی آشکار و مورد اذعان حقوق‌دانان بود. به همین دلیل، در بخش سوم این موافقت‌نامه، یعنی مواد ۴۱ به بعد، فرآیندهای دادرسی و ضمانت اجراها به خوبی شرح شده‌اند.^{۱۰}

این نوشتار خواهد کوشید تا هم‌راستا با اسناد بین‌المللی در این زمینه حرکت کند و نقص قوانین داخلی را به این طریق جبران نماید. البته در کنار اعتراف به همراه و به‌روز نبودن مقررات داخلی در زمینه سوءاستفاده از حقوق مالکیت فکری و نظریات مدون‌کننده آن، نایست از وجود قاعده لاضرر در فقه و حقوق داخلی چشم پوشید. شاید برای حمایت از حقوقی که در دیگر نظام‌ها اصولاً نیازمند کمک‌رسانی دکترین سوءاستفاده از حق هستند، این قاعده به تنهایی کافی باشد.

۸. منظور قوانینی مانند قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی ۱۳۵۲ و قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ۱۳۸۶ است. از ناکارآمدی و متناسب نیازهای روز نبودن این قوانین در سایر نوشته‌های حقوقی سخن زیاد رفته است. افزون بر این، لوائح جدید مرتبط با مالکیت صنعتی نیز علی‌رغم راهبایی به مجلس، هنوز تصویب نشده‌اند. پس ضعف قانون‌گذاری داخلی و فقدان استراتژی تقنینی آشکار است و نیازمند توضیح زیاده نیست.

9. The Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS).

10. Peter-Tobias Stoll, Jan Busche, and Katrin Arend. *WTO - Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights* (Leiden: Max Planck. 2009), 679.

پژوهش پیش رو ابتدا نحوه تحقق سوء استفاده از حق در حقوق مالکیت فکری را خواهد کاوید. سپس در بخش‌های دوگانه به مصادیق سوء استفاده در شاخه‌های متفاوت حقوق مالکیت فکری و کارکرد نظریه سوء استفاده از حق - عمدتاً با کمک گرفتن از حقوق آمریکا - در هر مورد، خواهد پرداخت. پژوهش حاضر، درصدد بحث از ضمانت اجراهای سوء استفاده از حقوق مالکیت فکری نیست، ولی بر اهمیت آن واقف است. از خلال آن بحث، نقش قاعده فقهی لاضرر در فقه و حقوق داخلی مشخص شده و ضرورت یا عدم ضرورت پیگیری رویه‌های غربی روشن‌تر خواهد شد.

۱. سوء استفاده از حقوق مالکیت فکری

تئوری سوء استفاده از حق در حوزه‌های مختلف حقوقی، به ویژه حقوق قراردادها مطرح است. درخصوص این که سوء استفاده از حق، همان حق نامشروع است و یا بهره‌گیری نابه‌جا از حق مشروع مناقشه شده است. قلمرو سوء استفاده از حق نیز محل بحث است و نظر برخی بر این است که برای تحقق عنوان، سوء نیت و هدف اضرار به غیر بایستی موجود باشد؛ هرچند اغراض فرعی مشروع ممکن است وجود داشته باشند. البته نظریات متأخر (مثلاً نظریه منتسب به حقوقدانان فرانسوی، استارک، رونالد و بویه)^{۱۱} بر این باورند که «ورود ضرر نامتعارف» معیار است و اثبات سوء نیت ضروری نیست. بنابراین اگر کسی در انجام عمل خود، ضرر متعارفی به دیگری بزند، مشمول قاعده نفی ضرر قرار نمی‌گیرد و از انجام عمل خود منع نمی‌شود. اما اگر ضرر نامتعارفی به دیگری برساند، به موجب قاعده لاضرر از آن منع می‌گردد.

پیش از این گذشت که حمایت حقوقی از آفرینش‌های فکری، که به صورت اعطای حقوق انحصاری به آفریننده پیش‌بینی شده است، واجد مزایای فراوانی است. از جمله آن‌ها می‌توان به ایجاد انگیزه برای متخصصان، محققان، مخترعان، مراکز علمی پژوهشی و نیز اصحاب هنر و ادب، جلوگیری از اختفای یافته‌های فکری و فناوری، انتشار دقیق و صحیح فناوری‌های جدید، جلوگیری از تکرار در موضوعات پژوهشی و اتلاف وقت و سرمایه و تسهیل انتقال فناوری اشاره کرد.^{۱۲} درمقابل، اعطای چنین حقوقی با معایب فراوانی نیز روبه‌روست، از جمله ممانعت از نسخه‌برداری فناوری، انحصاری شدن دانش، و افزایش قیمت کالا، خدمات و فناوری به‌علت انحصار.

۱۱. کرمی و شعبانی کندسری، «رابطه منطقی قاعده فقهی لاضرر و قاعده غربی سوء استفاده از حق»، ۱۶۰.

12. Edwin C. Hettinger, "Justifying Intellectual Property," *Philosophy and Public Affairs* 18, no. 1 (1989): 25-31.

گفته شد که در حوزه مالکیت فکری، دارندگان حقوق به علت برخورداری از امتیازات قانونی، به نوعی در موقعیت برتر^{۱۳} قرار گرفته‌اند و می‌توانند بهره‌گیری از حقوق خود و اعمال آن را در راستای زیان دیگران جهت‌دهی کنند. بنابراین بستر برای سوءاستفاده از حقوق مالکیت فکری^{۱۴} فراهم است.

درخصوص این‌که بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری مصداق سوءاستفاده از حق خواهد بود یا خیر، سه دیدگاه مطرح است: اول این‌که اعمال حقوق انحصاری، مصداق سوءاستفاده نیست، چراکه موقعیت برتر حاصل از حقوق مالکیت فکری با مجوز قانون است و نه ناشی از قدرت بازار. دوم این‌که حقوق انحصاری، پاداشی اعطایی از سوی دولت به دارنده حق است تا از موضوع موردحمایت حداکثر استفاده را بکند که این امر به قیمت‌گذاری بالا و تحمیل شروط ناعادلانه منجر می‌شود. و سوم این‌که اعمال حقوق مالکیت فکری به‌منظور بهره‌برداری حداکثری، خود مصداق سوءاستفاده از حق نیست، بلکه بایستی ناروا و ناعادلانه بودن بهره‌برداری اثبات گردد.

به نظر نگارنده، آنچه درمورد مبنای سوءاستفاده از حق مطرح است این است که حتماً نباید قصد و انگیزه برای عمل سوءاستفاده‌گرانه صاحب اثر وجود داشته باشد، بلکه همان‌گونه که گذشت، صرف ورود ضرر غیرمتعارف، بدون اعمال تخلف، برای اجرای نظریه سوءاستفاده از حق کافی است.

البته نظریه سوءاستفاده از حق پیشتر در نظام‌های رومی - ژرمنی و برپایه قواعد مسئولیت مدنی مورد توجه قرار گرفته و در مقابل این نظریه، دکتین دست‌های آلوده^{۱۵} وجود دارد که مبنای کامن‌لا (عمدتاً ایالات متحده آمریکا) برای قضاوت درخصوص سوءاستفاده از حق در حقوق مالکیت فکری به‌ویژه اختراعات است. طبق این دکتین، بایستی رفتار متخلفانه همراه با سوءنیت احراز شود، حال آن‌که در تئوری سوءاستفاده از حق، لزوماً نباید تخلفی احراز گردد، بلکه همین‌که صاحب اثر فکری مانع اجرا و استفاده سایرین به‌طور کلی یا جزئی شود، نظریه قابلیت طرح پیدا می‌کند. طبق نظریات پیش‌گفته^{۱۶} درخصوص معیار سوءاستفاده از حق، در صورت ورود ضرر غیرمتعارف، عنوان سوءاستفاده محقق می‌گردد.

13. Abus de position dominante.

14. Abus de propriété intellectuelle.

15. Clean/Unclean Hands Doctrine: U.S. Patent Law doctrine.

۱۶. کریمی و شعبانی کندسری، «رابطه منطقی قاعده فقهی لاضرر و قاعده غربی سوءاستفاده از حق»، ۱۳۵-۱۶۶.

برای مثال در نظریات برخی حقوق دانان آمده است که وقتی خسارات وارده بر افراد، فراتر از حدی رود که به طور طبیعی در زندگی اجتماعی بناست تحمل شود، قائل به این خواهیم شد که اعمال حق دیگر در قلمرو مجاز نیست.^{۱۷}

احکام و شرایط مربوط به سوء استفاده از حقوق مالکیت فکری، در دو حوزه اصلی این حقوق، یعنی حقوق مالکیت ادبی هنری و حقوق مالکیت صنعتی بسیار متفاوت است. رویکرد کلی اسناد و مقررات بین المللی و اختصاص یافتن نظریات و پرونده های مختلف به این دسته و از طرف دیگر، پیوستن ایران به کنوانسیون پاریس و دیگر اسناد بین المللی حامی اختراعات و اختصاص بخشی از حقوق داخلی به مقررات ضد رقابتی، باعث شده تا بخش مالکیت صنعتی از حقوق مالکیت فکری، دارای ادبیات پربارتری در خصوص سوء استفاده از حق باشد.

در مقابل، در حقوق مالکیت ادبی و هنری، از طرفی به علت کم رنگ تر بودن جنبه های مادی، بذل توجه در عرصه بین المللی ضعیف تر بوده و از طرف دیگر، در حقوق داخلی با پیوستن به کنوانسیون برن و دیگر اسناد در این زمینه، ادبیات و پرونده های کمتری مشاهده می شود. بنابراین به ترتیب اهمیت و نیاز به جهت دهی پژوهش به این سمت، در این بخش از نوشتار، ابتدا مصادیق سوء استفاده از حقوق مالکیت ادبی و هنری بررسی خواهند شد و سپس به مصادیق سوء استفاده از حقوق مالکیت صنعتی پرداخته خواهد شد. به این منظور، اقسام حقوق مطرح در زمینه مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی بیان شده و چگونگی تحقق سوء استفاده از این حقوق بررسی خواهد شد.

۱-۱. سوء استفاده از حقوق مالکیت ادبی و هنری

نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری که در کشورهای کامن لایی به کپی رایت شناخته شده و در کشورهای با نظام حقوقی نوشته به حق مؤلف، معمولاً به پدیدآورنده اثر دو دسته حقوق مادی (اقتصادی) و معنوی (اخلاقی) اعطا می کنند. حقوق اقتصادی مالکیت ادبی و هنری با توجه به وضعیت و شیوه بهره برداری، مصداق های متعددی دارد که بعد از تعلق به پدیدآورنده، هر کدام می توانند منشأ سوء استفاده واقع شوند.

17. Michael Byers, "Abuse of Rights: An Old Principle, A New Age," *McGill Law Journal* 47 (2002): 393.

۱-۱-۱. حقوق مادی مالکیت ادبی و هنری

حقوق مادی و یا اقتصادی که قانون به پدیدآورنده یک اثر اعطا می‌کند پنج مورد عمده هستند: حق نشر و تکثیر، حق ترجمه، حق اقتباس، تلخیص و تبدیل، حق استفاده از پاداش و جایزه، و حق عرضه و اجرا.^{۱۸} البته امروزه بسیاری از پدیدآورندگان تلاش می‌کنند تا مزایایی افزون بر آنچه قوانین ملی و اسناد بین‌المللی به آن‌ها اعطا می‌کنند، به دست آورند. برای مثال می‌توان به سوء استفاده از حق مالکیت دارنده در آثاری اشاره کرد که با مجوز و ليسانس توسعه داده شده‌اند.

از لحاظ تاریخی، دادگاه‌های آمریکا، که نظریه سوء استفاده از حق اختراع را از اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست در برخی پرونده‌ها به رسمیت شناخته بودند، حکم مشابه را به حوزه کپی‌رایت نیز سرایت دادند. بنابراین دکتترین سوء استفاده از کپی‌رایت^{۱۹} برگرفته و متأخر از دکتترین سوء استفاده از حق اختراع است که از اوایل قرن بیستم مطرح شده‌است. خود این دکتترین نیز از یک دکتترین کلی تحت قاعده انصاف برگرفته شده که به دکتترین «دست‌های آلوده» شناخته می‌شود. این دکتترین یکی از طرفین دعوا را از استفاده از جبران خسارت‌های تحت قواعد انصاف^{۲۰} علیه طرف دیگر بر حذر می‌دارد. این زمانی است که طرف دعوا به گونه‌ای نامناسب عمل کرده‌است، هرچند لزوماً رفتار وی غیرقانونی نبوده باشد.

دکتترین سوء استفاده از کپی‌رایت، دارنده کپی‌رایت را از توسعه و تعمیم حق خود و رای قلمرو حقوق موضوعه خود منع می‌کند. بنابراین دادگاه‌ها به دارندگان کپی‌رایت که از حق خویش سوء استفاده کرده‌اند اجازه به کار بستن حقوق خود در قالب/اینجانشن (قرار موقت) علیه نقض‌کنندگان و یا دریافت خسارت در قبال نقض را نمی‌دهند. این تا زمانی است که سوء استفاده برطرف شود، یعنی رفتار نامناسب متوقف شده و آثار آن محو شود.

در حقوق آمریکا، سوء استفاده از کپی‌رایت یک دفاع موضوعه^{۲۱} نیست و در قانون کپی‌رایت فدرال نیز نیامده‌است، اما در پرونده‌های متعدد به‌عنوان انشعابی از دکتترین سوء استفاده از حق اختراع به آن استناد شده‌است. از اولین پرونده‌هایی که در این زمینه

۱۸. محمود حکمت‌نیا، مبانی مالکیت فکری (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، [بی‌تا])، ۵۰-۵۸.

۱۹. بحث این پژوهش در سوء استفاده از حقوق مالکیت ادبی و هنری است و کپی‌رایت وازل معادل حقوق مالکیت ادبی و هنری نیست و تنها یکی از مصادیق این حقوق است، اما به‌علت سهولت استفاده، غلبه، و مصطلح بودن این واژه در نظام حقوقی کامن‌لا، در این نوشتار اختصاراً از «کپی‌رایت» استفاده خواهد شد.

۲۰. مانند Injunction و Equitable Remedies.

21. Statutory Defense.

موجود است، پرونده دادگاه فدرال منطقه ای مینه‌سوتا در خصوص ویتمارک و پسران، علیه جنسن است.^{۲۲} دادگاه تجدیدنظر چهارم^{۲۳} ایالات متحده آمریکا، متعاقباً از دکتربین سوء استفاده از کپی‌رایت در پرونده شرکت لیزرکامب آمریکا علیه رینولدز^{۲۴} استفاده کرد.^{۲۵}

درواقع دادگاه‌های آمریکا متوجه شدند که برخی رویه‌های نوپدید درصددند دامنه حقوق اعطاشده به دارندگان را گسترش دهند و بر این اساس، دست دارندگان حق آلوده است (به‌نوعی حسن‌نیت ندارند) و دادگاه‌ها هم امتیازات انحصاری را به موقع اجرا نمی‌گذارند؛ مگر آن‌که آن‌ها دست از این سوء استفاده‌ها برمی‌داشتند و کلیه آثار مربوط به آینده آن را نیز از بین می‌بردند. درواقع هدف اصلی این بود که دامنه حقوق انحصاری اعطایی محدود شود.

تا قبل از دهه ۱۹۹۰ میلادی، پرونده‌های زیادی ناظر به موضوع سوء استفاده از حق اختراع در رویه قضایی آمریکا به وجود آمده بود، اما همان‌طور که اشاره شد، هیچ رأیی درخصوص سوء استفاده از کپی‌رایت، در ادبیات حقوقی این کشور (و نیز دیگر کشورها) یافت نمی‌شد. اما در پرونده لیزرکامب، دکتربین سوء استفاده از کپی‌رایت رسماً شناسایی شد.

شرکت لیزرکامب که تولیدکننده نرم‌افزارهای طراحی بود، مجوز بهره‌برداری (لیسانس) به شرکت رینولدز اعطا کرده بود. در حین اجرای قرارداد، رینولدز استفاده خود را از موارد مصرح توسط لیزرکامب فراتر برد و بر این اساس، لیزرکامب شکایتی تحت عنوان نقض کپی‌رایت مطرح کرد. گفتنی است در این مجوز بهره‌برداری، لیزرکامب تدابیری اندیشیده بود تا با توسل به حيله و نیرنگ از قانون فرار کند و بتواند تعداد نسخ فعال این نرم‌افزار را کاهش دهد. حین رسیدگی، خواننده در دفاعیات خود اظهار داشت که «حتی اگر نقض کپی‌رایت صورت گرفته باشد، به دلیل این‌که خواهان از کپی‌رایت خود سوء استفاده کرده و خواننده را از داشتن یک تجارت آزاد و سالم محروم نموده و دامنه اختیارات را محدود کرده‌است، خواننده نایستی مجرم و مسئول دانسته شود.»^{۲۶} این استدلال مورد پذیرش دادگاه واقع شد.

گفتنی است مجوز بهره‌برداری مذکور، خواننده را از تولید نرم‌افزارهایی که قابلیت رقابت با

22. M. Witmark and Sons v. Jensen, 80 F. Supp. 843, 1948.

23. Fourth circuit.

24. Lasercomb America, Inc. v. Reynolds, 911 F.2d 970, 1990.

۲۵. دیگر آرای قضایی که در این زمینه موجود هستند عبارت‌اند از:

Video Pipeline, Inc. v. Buena Vista Home Entertainment, Inc., 342 F.3d 191, 3d Cir. 2003.

26. "Lasercomb America, Inc. v. Reynolds (1990)," Justia, accessed January 17, 2020. URL:

<https://law.justia.com/cases/federal/appellate-courts/F2/911/970/143762/>

محصول خواهان را داشته باشند، برای مدت ۹۹ سال محروم کرده بود که این مدت از محدوده زمانی که قانون به خواهان اعطا می‌کرد، یعنی ۷۵ سال، ۲۴ سال اضافه‌تر بود. بنابراین برای دادگاه محرز شد که خواهان قصد داشته مدت و قلمرو حقوق قانونی خویش را به‌طرز چشمگیر و مؤثری افزایش داده و با این کار، اجتماع و منافع عمومی را از اقدامات قانونی رقابتی جهت ارتقای این‌گونه نرم‌افزارها محروم کند. بنابراین این اقدام خواهان سوء استفاده از حق تلقی شد و دادگاه از احقاق حقوق ادعایی و اجرای آن سر باز زد.

نکته مهم این است که رینولدز هیچ‌گاه قراردادی با شاکی منعقد نکرده بود، اما این مطلب تأثیری در سیر مراحل قانونی رسیدگی به پرونده نداشت، زیرا خواهان در واگذاری مجوز بهره‌برداری به سایرین و در حین انعقاد قرارداد با آن‌ها چنین شرطی را گنجانده و مرتکب سوء استفاده از حق در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری شده بود.^{۲۷} به همین دلیل، دادگاه بیان داشت که تفاوتی نمی‌کند نقض حق رخ داده باشد یا خیر، برای پیش بردن دعوای نقض کپی‌رایت، خواهان بایستی ابتدا از اقداماتی که سوء استفاده از حق تلقی می‌شوند دست بکشد و شروط و اقدامات گذشته و آثار آینده را نیز محو نماید. در واقع ادعای سوء استفاده از حق در آثار ادبی و هنری، چیزی شبیه به یک ادعای ضد رقابتی است، هنگامی که دارنده کپی‌رایت از حقوق انحصاری محدودی که توسط قانون به وی اعطا شده است، سوء استفاده نماید.

اگرچه رأی پرونده لیزرکامب، یکی از شاخص‌ترین دیدگاه‌های مدرن در دکتترین سوء استفاده از کپی‌رایت است، اما به‌طور صریح بیان داشت که خواننده نمی‌بایست هیچ تقصیر و تقلبی در نقض کپی‌رایت پدیدآورنده داشته باشد و تنها در این صورت است که می‌تواند به تحصیل منافع نقض حق پردازد.

در مقابل، در پرونده شرکت بازی‌های آتاری علیه شرکت نینتندو آمریکا^{۲۸}، دادگاه اعلام داشت که وجود قصد نقض حق در خواننده وی را از امکان توسل به ادعای سوء استفاده از کپی‌رایت محروم خواهد کرد. البته حقوق دانان معتقدند که این پرونده نمی‌تواند مبنا و الگوی درستی برای ایجاد رویه قضایی واحد در نظام حقوقی آمریکا باشد.^{۲۹}

۲۷. درخصوص این‌که نرم‌افزارها در حوزه حقوق مالکیت ادبی و هنری جای دارند یا در حوزه حقوق مالکیت صنعتی، به دلیل ماهیت پیچیده آن‌ها بحث فراوان است. نوشتار حاضر بر فرض جای‌گیری آن‌ها در نظام مالکیت ادبی و هنری، به بررسی موضوع سوء استفاده از حق پرداخته است.

28. Atari Games Corp. v. Nintendo of America Inc., 975 F.2d 832, 1992.

29. Glynn Lunney, "Atari Games v. Nintendo: Does a Closed System Violate the Antitrust Laws," *Berkeley Technology Law Journal* 5, no. 1 (1990): 29-73.

در پرونده شرکت آکاتل آمریکا علیه دی جی آی تکنولوژی^{۳۰}، دادگاه چنین اظهار کرد که رد ادعای سوء استفاده از کپی رایت توسط دادگاه بدوی، بر این اساس که خود طرف نیز دست‌های کاملاً پاکی نداشته و اقداماتش صبغه سوء نیت دارند، غلط بوده است.

هم‌اکنون در رویه قضایی آمریکا، هرچند توسل به ادعای سوء استفاده از کپی رایت در برخی آرای پراکنده به رسمیت شناخته شده، ولی دادگاه‌ها به استفاده از این امر به عنوان دفاع علاقه‌مند شده‌اند.^{۳۱}

البته به‌طور کلی، در خصوص تصدیق عنوان سوء استفاده از حق در کپی رایت، همچنان میان محاکم اختلاف است. برخی محاکم منطقه‌ای رفتارهای خاصی را سوء استفاده از کپی رایت تلقی کرده و برخی دیگر آن را مطابق با موازین خود ندانسته‌اند.^{۳۲}

۱-۲-۱. حقوق معنوی مالکیت ادبی و هنری

برخلاف مالکیت صنعتی، حقوق اخلاقی و معنوی در مالکیت ادبی بسیار پررنگ و مهم قلمداد می‌شود. البته تمامی این حقوق زمینه‌ساز سوء استفاده نیست و اصولاً به شخص پدیدآورنده مربوط است و منافعی برای عموم در آن‌ها وجود ندارد که پدیدآورنده بتواند با سوء استفاده مسبب ورود ضرر شود. به‌هرحال، از باب معرفی بایستی اشاره داشت که یکی از این حقوق، حق افشای اثر^{۳۳} است. براساس این حق، نویسنده دربارهٔ زمان، مکان و چگونگی افشای اثر خود به شخص یا اشخاص تصمیم می‌گیرد. وجود این حق برای پدیدآورنده، دیگران را از اجبار نویسنده به افشای اثر باز می‌دارد و هیچ‌کس نمی‌تواند پدیدآورنده را به افشای اثر خود مجبور سازد. قوانین برخی کشورها، حق افشای اثر را با حق اقتصادی اجازه نخستین نشر پیوند داده‌اند؛^{۳۴} یعنی با انتقال حق اقتصادی نخستین نشر، دیگر حق افشای اثر برای پدیدآورنده باقی نمی‌ماند. حمایت از حق پیش‌گفته در کشورهای فرانسه و آلمان گسترده‌تر است و حتی بعد از واگذاری حق اقتصادی نخستین نشر نیز ادامه می‌یابد.^{۳۵} واگذاری حق نخستین نشر به‌طور صریح یا ضمنی، دلالت بر واگذاری اجرای حق افشای اثر نمی‌کند. در نتیجه موجبی برای واگذاری آن

30. Alcatel USA, Incorporated v. Dgi Technologies, Inc. 166 F.3d 772, 1999.

31. Paul Goldstrin, *Goldstein on copyright*, 3rd edition (Boston: Aspen Publishers, 2005), 45.

32. James B. Kobak, *Intellectual Property Misuse: Licensing and Litigation* (Chicago: American Bar Association, 2000), 220.

33. Divulgration Right.

۳۴. حکمت‌نیا، میان‌مالکیت فکری، ۵۵.

35. JAL Sterling, *World Copyright Law*. 2nd edition (London: Sweet & Maxwell, 2003), 340.

وجود ندارد و باید گفت این حق باقی است. بنابراین در صورتی که حق نخستین نشر براساس قرارداد به دیگری واگذار شده باشد، پدیدآورنده برخلاف اصل اجباری بودن قرارداد، می‌تواند با استناد به حق افشای اثر از تحویل آن خودداری کند. در هر صورت، حق افشای اثر می‌تواند دست‌آویز سوء استفاده پدیدآورنده قرار گیرد.

یکی دیگر از حقوق معنوی یا اخلاقی، حق نام و عنوان پدیدآورنده^{۳۶} است. به سبب این حق، پدیدآورنده می‌تواند انتشار اثر را با نام و عنوان خود بخواهد، یا این‌که انتشار اثر بدون نام یا با نام مستعار را طلب کند. بنابر این‌که حق حرمت نام و عنوان به رسمیت شناخته شود، می‌توان گفت اگر مؤلف برای اثر خود نام مستعار انتخاب کرده باشد، به استناد حق حرمت نام، هرگاه که بخواهد می‌تواند نام واقعی خود را آشکار سازد. سوء استفاده از این حق شاید در خصوص آثار ادبی متصور نباشد و این حق صرفاً احترامی برای پدیدآورنده قائل شود. با این حال، در برخی موارد مانند تألیفات پزشکی، دارویی و مانند آن که متناسب نبودن و عدم افشای نام و حتی انتشار آثار با نام مستعار ممکن است مثلاً به خطایی پزشکی، بیماری و یا به‌طور کلی انتشار اطلاعات نادرست در جامعه بیانجامد، به نوعی سوء استفاده مؤلف از حق عنوان خود و فرار از مسئولیت‌های بعدی است.

از دیگر موارد حقوق معنوی، حق تمامیت اثر^{۳۷} است که براساس آن هیچ‌کس نمی‌تواند اثر ادبی یا هنری را بدون موافقت پدیدآورنده تغییر دهد، هرچند تغییر اندک باشد. نیز حق عدول از اثر و حق دسترسی به اثر شایان ذکرند. در مورد اخیر، برخی کشورها مانند آلمان برای پدیدآورنده «حق دسترسی به اثر» را پیش‌بینی کرده‌اند که براساس آن پدیدآورنده می‌تواند به دست‌نوشته خود دسترسی یابد یا از آن کپی تهیه کند. البته در صورتی که کپی برداری باعث ضرر دارنده شمرده نشود و با منافع مشروع وی توافقی نداشته باشد. ناگفته نماند که در هنگام سخن گفتن از این حق، حقوق دانان فارغ از مفاد قرارداد میان پدیدآورنده و مشتری (دارنده) به بحث پرداخته‌اند، زیرا اگر براساس شرط ضمن عقد، چه به صورت صریح چه ضمنی، این حق برای پدیدآورنده در نظر گرفته شده باشد، دیگر نیاز به تصریح قانونی نیست. با این حال به نظر می‌رسد در محل بحث، این حق بتواند به شدت مورد سوء استفاده قرار گیرد. چراکه پدیدآورنده ممکن است با قائل شدن این حق برای خویش، عملاً امتیاز واگذار شده به بهره‌بردار (مشتری یا دارنده) را زیر پا بگذارد و همچنان اثر را در اختیار خود نگه دارد.

36. Paternity Right, Identification, Attribution Right.

37. Integrity Right.

درخصوص حق عدول نیز اگر در نظامی این حق به رسمیت شناخته شود، پدیدآورنده را قادر می‌سازد با سوء استفاده از حق خود، اثر را ولو بعد از انتشار توسط ناشر، بازپس گیرد و موجب ورود ضرر مادی و معنوی شود.

۱-۲. جایگاه دکترین سوء استفاده از کپی‌رایت در حقوق ایران

گذشت که دکترین سوء استفاده از کپی‌رایت، از دکترین سوء استفاده از حق اختراع نشأت گرفته و از آنجا که پیدایش و اوج آن در چند دهه اخیر بوده است، در حقوق مالکیت فکری، دکترینی نوپا تلقی می‌شود.

این امر در حالی است که در دیگر نظام‌های حقوق مالکیت فکری، مانند نظام ایالات متحده نیز این دکترین در حال شکل دادن به قوانین و مقررات است. در ایران، با در نظر داشتن نواقص قانونی در حوزه مالکیت فکری، کثرت ابهامات و سکوت قوانین داخلی، ردپایی از دکترین سوء استفاده از کپی‌رایت نیز مشاهده نمی‌شود. این موضوع به گونه‌ای است که سوء استفاده از کپی‌رایت، دکترین نظم‌دهنده به آن، و یا حتی نهادی مشابه آن‌ها در مقررات داخلی حقوق مالکیت ادبی و هنری یافت نمی‌شود. در عین حال، با توجه به این که نظام حقوقی ایران نظام حقوق نوشته است، احکام و مصوبات قضایی نیز - ولو در صورت وجود - نقشی در پیشبرد ادبیات قانونی در این زمینه ندارند.

با این حال، اگر جایی سوء استفاده از حقوق مالکیت ادبی هنری (مسامحتاً: کپی‌رایت) به عنوان دفاع و یا به عنوان اصل ادعای یک دعوا مطرح شود، می‌توان گفت که با لحاظ اصل ۴۰ قانون اساسی و قواعد فقهی، به ویژه قاعده لاضرر، این گونه طرح دعوا فاقد وجهه قانونی نیست و می‌توان محتملی هر چند کم‌رنگ برای آن در حقوق داخلی ایجاد کرد.

دادگاه‌ها نیز در مورد رویارویی با ادعای مالکیت و اصل تسلیط دارنده این حقوق - با در نظر داشتن قاعده لاضرر و تفسیر برگزیده آن - بایستی به برقراری تعادل میان حقوق پدیدآورنده و منافع اجتماع اهتمام داشته باشند و با چنین رویکردی دست به صدور رأی بزنند.^{۳۸}

علاوه بر این، داشتن نگاهی به مقررات بین‌المللی از جمله موافقت‌نامه تریپس و معاهده پاریس و نیز قوانین مالکیت ادبی و هنری کشورهای غیرکامن‌لایی، پذیرش این نظریه را

۳۸. حامد معینی و سعیده قاسمی‌پور، «دکترین سوء استفاده از حق در مالکیت ادبی و هنری»، فصلنامه حقوق پزشکی (ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری) ۶ (۱۳۹۱): ۲۰۳.

آسان‌تر خواهد کرد. بنابراین در زمانه‌ای که مقامات و نهادهای تقنینی درصدد تدوین مقررات نوین و کاملی برای حقوق مالکیت فکری هستند، همگام شدن با رویکردهای جهانی و اتخاذ تدابیری همانند گنجاندن این‌گونه نظریات و دکترین‌ها در مقررات آینده، بر غنای حقوق مالکیت فکری خواهد افزود.

البته از موانع بر سر راه چنین آرمان‌هایی نیز نباید غافل بود. مقدمه پذیرش مفاد اسناد بین‌المللی از جمله موافقت‌نامه تریپس، الحاق به آن‌هاست؛ وگرنه التزام و پایداری به وارد کردن آموزه‌های این‌گونه اسناد به حقوق داخلی دشوار و بی‌مورد جلوه خواهد نمود.

دور از نظر نماند که نوشتار حاضر، صرفاً درصدد شناختن نحوه ورود نظریه سوء استفاده از حق به حقوق مالکیت فکری بود. پس از این‌که اصل سوء استفاده و نحوه رویارویی با آن در جنبه‌های مختلف حقوق مالکیت فکری در این نوشتار تثبیت شد، ضمانت‌اجراهای پیشنهادی در فضای بین‌المللی و اتخاذ ضمانت اجرای مناسب داخلی در نوشتارهای متعاقب بررسی خواهند شد. بنابراین پرداختن به این مسئله که قاعده فقهی لاضرر - که اشاره شد در معیار و مفهوم، با نظریه سوء استفاده از حق برابری کرده و در قلمرو جامع‌تر است - در فقه و حقوق داخلی، در تدوین مقررات و مقابله با سوء استفاده از حقوق مالکیت فکری ایجاد کفایت می‌کند و یا همچنان نیاز به فراگیری، تحلیل، اشراب و پیاده‌سازی دکترین سوء استفاده از حق در حقوق داخلی احساس می‌شود، به بحث از ضمانت‌اجراهای منصوص و غیرمنصوص و راه‌حل‌های جایگزین در پژوهش‌های آتی واگذار می‌گردد.

۱-۳. سوء استفاده از حقوق مالکیت صنعتی

۱-۳-۱. حقوق اقتصادی و اخلاقی مالکیت صنعتی

کم‌رنگ بودن حقوق معنوی و اهمیت ویژه منافع اقتصادی در پدیده‌های صنعتی، جنبه اقتصادی مالکیت صنعتی را بسیار برجسته کرده است. حقوق اقتصادی دو جنبه ایجابی و سلبی دارند. این حقوق به لحاظ ایجابی، برای پدیدآورنده درباره موضوع پدیده فکری، نسبت به انواع بهره‌برداری سلطه پدید می‌آورد و به لحاظ سلبی، پدیدآورنده می‌تواند مانع از بهره‌برداری دیگران شود.

نکته مهم این است که حقوق ایجابی و اعمال آن در نظام‌های حقوقی با محدودیت‌های فراوانی روبه‌رو است. از این‌رو برخی ترجیح می‌دهند در تعریف و شمارش حقوق مترتب بر پدیده‌های فکری، فقط از حقوق سلبی یاد کنند. این حقوق عبارت‌اند از حق انحصاری

ساخت، حق انحصاری فروش و حق ممانعت از واردات. توضیح آن که روشن ترین نتیجه اختراع محصول، ساخت و تولید انبوه آن است که به وسیله آن، پدیدآورنده به منافع اقتصادی دست می یابد. نظام های حقوقی مالکیت فکری از این امر حمایت می کنند و حق انحصاری ساخت و تولید اثر اختراع شده را به پدیدآورنده اعطا می کنند. براساس این حق انحصاری، مخترع می تواند دیگران را از ساخت و تولید اثر منع کند. همین امر، یعنی توانایی ایجاد انحصار مخترع در ساخته شدن اثر خود، زمینه ساز سوء استفاده است و مواردی زیادی نیز در دنیای واقع مشاهده شده اند.

نتیجه اختراع ممکن است تولید محصول یا انجام فرایند باشد. اگر نتیجه اختراع، تولید محصول باشد، نه تنها تولید و تکثیر آن بدون رضایت پدیدآورنده ممنوع است، بلکه فروش کالای تولید شده نیز به رضایت مخترع منوط است. همچنین اگر نتیجه اختراع، یک فرایند باشد، استفاده دیگر اشخاص از آن، بدون رضایت پدیدآورنده ممنوع است. مشاهده می شود که اعطای حق انحصاری فروش نیز زمینه ساز سوء استفاده است و چالش بزرگی برای نظام مالکیت فکری، درخصوص اعطای حقوق انحصاری و یا تعدیل و کنترل آن ها ایجاد می کند. نهایتاً این که محصول اختراع شده ممکن است خارج از مرزهایی که اختراع در آن به ثبت رسیده تولید شود و واردات محصول باعث شود صاحب اختراع به منافع اقتصادی کار فکری خود دست نیابد. از این رو به صاحب اختراع این امکان داده می شود که بتواند از واردات کالا جلوگیری کند. این مورد از حقوق اقتصادی مالکیت صنعتی، عملاً خطرناک ترین آن ها از لحاظ ایجاد انحصار و حذف رقابت است. دارنده این حق با استناد به حق خود، ممکن است افراد صاحب حق دیگری را از اعمال و بهره گیری از حق خود داخل کشورش محروم نماید، به بهانه این که واردات موازی^{۳۹} رخ داده است. این امر، در صورت عدم اقدام قانون گذار در تعدیل وضعیت، به روشنی به سوء استفاده از حق و اضرار دیگران خواهد انجامید.

حقوق اخلاقی و معنوی در حقوق مالکیت صنعتی بسیار کم رنگ هستند. تنها حق اخلاقی در اختراعات، ذکر نام مخترع در ورقه اختراع است. این حق در ماده ۳ موافقت نامه پاریس آمده است. براساس این ماده، مخترع حق دارد که در ورقه اختراع به عنوان مخترع نام برده شود.^{۴۰} طبق بند سوم ماده ۶۶ قانون ثبت اختراع ژاپن^{۴۱} و ماده ۱۵۴ سرفصل ۳۵ قانون

39. Parallel Impor.

40. Saleh Ahmad, "Patents: Inventorship Vs Ownership," accessed November 21, 2020, <https://www.tamimi.com/law-update-articles/patents-inventorship-vs-ownership>.

41. "Patent Act 1959," Japanese Law Translation. accessed January 17, 2020, <https://www.japaneselawtranslation.go.jp/en/laws/view/3118/en/>

ثبت اختراعات ایالات متحده آمریکا^{۴۲} نیز این حق باید در گواهی اختراع ذکر شود و قابل اسقاط نیست. از لزوم ذکر نام مخترع در قوانین ایران صحبتی به میان نیامده، اما از بند ۴ ماده ۳۳ آیین‌نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، درخصوص موارد مندرج در ورقه اختراع می‌توان فهمید که ذکر نام مخترع لازم است. البته نظر به عبارت «مگر این که مخترع کتباً از مرجع ثبت درخواست عدم ذکر نام خود را نماید»، باید گفت این حق قابل اسقاط است.

۴-۱. دکترین سوءاستفاده از حقوق مالکیت صنعتی و کاربرد آن

علائم تجاری ماهیتی متفاوت از آثار ادبی و هنری و نیز اختراعات دارند. در عین حال، جزو حقوق مالکیت صنعتی شمرده می‌شوند. در واقع در اختراعات، مبنای اعطای امتیاز به دارنده حق، خدمت به عموم است و این که منافع جامعه با اعطای حقوق انحصاری محدود به زمان تأمین خواهد گردید. اما در علامت تجاری ابتدائاً ایجاد تمییز در نوع علامت و به گمراهی و اشتباه نیفتادن مشتری مدنظر است، پس، از حقوق دارنده علامت در وهله بعد حمایت خواهد شد.

بنابراین با توجه به این تفاوت‌ها و با در نظر داشتن این که حمایت از علائم تجاری امری قدیمی است و سوءاستفاده از آن‌ها نیز قدمت تاریخی بیشتری دارد و حتی اولین پرونده‌های سوءاستفاده از حقوق مالکیت صنعتی عملاً در بردارنده سوءاستفاده از علائم تجاری هستند، ابتدا سوءاستفاده از علائم تجاری مرور می‌شود و سپس به سوءاستفاده از اختراعات و تبیین دکترین دست‌های آلوده پرداخته خواهد شد.

۱-۴-۱. سوءاستفاده از حق در علائم تجاری

اولین پرونده متکی به دکترین دست‌های آلوده، انکار اجرای علامت تجاری بود که چهره اشتباهی از محصولات تحت حمایت را معرفی می‌کرد، اما دادگاه‌ها به قوانین دیگری از جمله قواعد ضد تراست استناد کردند. اخیراً برخی محاکم در چنین پرونده‌هایی به دکترین دست‌های آلوده اشاره کرده و به سوءاستفاده از کپی‌رایت و اختراعات پرداخته‌اند.

برای مثال، در پرونده معروف کارل زایس^{۴۳} که پرونده نقض علامت تجاری بود،

42. "United States Code § 154," accessed January 17, 2020, <https://uscode.house.gov/view.xhtml?req=granuleid:USC-prelim-title35-section154&num=0&edition=prelim>

43. Carl Zeiss Stiftung v. VEB Carl Zeiss, Jena, 293 F. Supp. 892, S.D.N.Y. 1968.

سوء استفاده از حق به عنوان یک دفاع مطرح شد، اما نهایتاً دادگاه براساس آن حکم صادر نکرد. در واقع در حوزه علائم تجاری، خواننده در صورت نقض علامت دیگری، به دلیل نداشتن سوء نیت نمی تواند دفاع سوء استفاده از حق طرف مقابل را مطرح نماید، اگر معیار را سوء نیت بدانیم، وگرنه صرف ورود ضرر نامتعارف کافی خواهد بود.

در خصوص این که نظریه سوء استفاده حق در علائم تجاری آیا قابل طرح و سودمند است یا خیر، بایستی تأمل بیشتری کرد. دامنه حقوق اعطایی در حوزه اختراعات و کپی رایت، با علائم تجاری متفاوت است و از وسعت کمتری برخوردار است، چراکه علامت، تمیزدهنده کالاها و خدمات است و از اشتباهات در نام و نشان و مشخصات جلوگیری می کند و به نظر می آید منافع عموم و بحث هایی چون حق بر سلامت که در حوزه اختراعات دارویی مطرح می شود، در حوزه علائم تجاری حساسیت مشابه را ندارد و در واقع انحصار و سوء استفاده در حوزه اختراعات، مهم تر و خطیرتر به نظر می آید.

نهایتاً این که سوء استفاده از حق در حوزه علائم تجاری، تنها در دو موقعیت قابل طرح است: اول، جایی که رفتار مالک علامت، به شدت به اهمیت علامت لطمه وارد می کند و دوم، جایی که مالک علامت به ناحق در صدد ادعای حقوق انحصاری بر آثار عمومی است، به نحوی که ممکن است رقابت را در بازار کالاها و خدمات محدود نماید.^{۴۴}

۱-۴-۲. سوء استفاده از حق در اختراعات

نظام حقوق مالکیت صنعتی، محل تلاقی دو دسته منافع فردی و جمعی است. از طرفی فرد در پی رسیدن به حمایت هایی است که بتواند از آن حداکثر سود اقتصادی را تحصیل کند و از طرف دیگر، جامعه این حق را برای خود قائل است که اطلاعات افشا شوند. مالک حق اختراع می تواند از انحصارات و حقوقی که قانون گذار با ثبت نوآوری در اختیار وی قرار می دهد به گونه ای بهره گیرد که با منافع عموم در تضاد باشد.

در خلال سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰ و در راستای تضعیف قدرت انحصاری دارنده حق اختراع، نظریه سوء استفاده از حق در آمریکا از دامان رویه قضایی زاده شد. این نظریه ابتدا محدود به تجاوز دارنده از مرزهای قانونی بود و سپس در دیگر کشورها در خصوص استتکاف ناموجه از اعطای مجوز بهره برداری اجباری نیز استفاده شد.

44. Kobak, *Intellectual Property Misuse: Licensing and Litigation*, 202.

سوء استفاده از حق اختراع تا پیش از ۱۹۴۲، فقط مربوط به توسعه حق انحصاری دارنده حق اختراع بر کالاهای غیر مشمول اختراع بود، ولی قلمرو نظریه به حدی گسترانده شد که نارضایتی در باب توسعه دامنه حق اختراع، موجب تحدید نظریه شد. مواردی نظیر اجرای حق اختراع در نقض یا مشارکت در نقض حق اختراع، مشارکت در نقض از طریق تحصیل سود و یا مجوز دادن به دیگری، از آن قلمرو خارج شدند. حقوق دانان معتقدند طی سی سال اخیر، در خصوص این نظریه تحولات زیادی رخ داده است.

سوء استفاده از حق اختراع را در دو دسته می توان گنجانند: تلاش ناشایست برای توسعه قلمرو اختراع، و تخلف از حقوق ضد تراست. اثرات این دو دسته همسان نیست و دادگاهها گاه به دفاع سوء استفاده در مورد توسعه قلمرو حق اختراع استناد می کنند، حتی اگر دارای اثرات ضد رقابتی غیر معقول باشد.^{۴۵}

در خصوص مصادیق سوء استفاده از حق در اختراعات سخن رفت. برای مثال، عدم افشای مناسب اختراع در زمان ثبت، نوعی سوء استفاده است. مواردی که مالک به رغم ثبت اختراع به حبس فناوری و عدم اعطای لیسانس و ... می پردازد، نوعی سوء استفاده رخ داده است. علاوه بر این، گنجانیدن شروطی در قراردادهای انتقال که سوء استفاده از موقعیت برتر است، مانعی بر سر راه آزادسازی تجاری است.

آشکارترین مصداق سوء استفاده از حق اختراع، افشای ناصحیح آن است. اختراع باید به گونه ای افشا شود که نحوه پیاده کردن آن برای فرد متخصص در آن حرفه آشکار باشد. پس افشای درست و به موقع اطلاعات بسیار مهم است.

در حقوق ایران، در باب نظریه سوء استفاده از اختراعات، تاکنون سخنی به میان نیامده است. بلکه بدون توجه به ماهیت این نظریه، در موارد پراکنده قانون ثبت اختراعات ۱۳۸۶ به بیان استثنائات حقوق انحصاری اعطایی به دارنده حق پرداخته است. در ماده ۱۷ این قانون بیان شده که هنگامی که منافع عمومی در خطر باشد و مسائلی از قبیل بهداشت و سلامت و امنیت در گرو استفاده از موضوع حق دارنده باشد، بدون لحاظ حق وی، او مکلف به اعطای مجوز اجباری است. یعنی قانون گذار به نوعی ممنوعیت تکلفی را که برای دیگران در خصوص استفاده از اختراع مخترع ایجاد کرده بود رفع می کند تا ضروریات جامعه تأمین گردد. البته هرگونه امتناع دارنده حق اختراع از اعطای مجوز را نمی توان

۴۵. سید حسین میرحسینی، حقوق اختراعات (تهران: میزان، ۱۳۸۷)، ۲۲۷.

سوء استفاده محسوب کرد، بلکه بایستی معیارهای دقیقی از سوی مجری قانون پیاده شوند، مانند این که آیا تقاضا برای محصول، در شرایط معقول، به اندازه کافی تأمین می‌شود. آیا تجارت یا صنعت یا انواع فعالیت‌های دیگر، بر اثر فقدان مجوز بهره‌برداری، به طور غیرمنصفانه لطمه می‌بینند یا خیر.^{۴۶}

پس قانون‌گذار در صدد استفاده از چنین نظریه و دکترینی، در مقام تعدیل و تحدید مقررات حقوق مالکیت فکری بوده، اما مصادیق و موارد آن را بدون در نظر داشتن ماهیت و شرایط سوء استفاده از حق مطرح کرده است.

نتیجه‌گیری

در خصوص حمایت انحصاری از حقوق پدیدآورندگان آفرینش‌های فکری، جدالی دیرین برپاست. در این بین، علی‌رغم تمامی گفته‌های مخالفان حمایت انحصاری از حقوق مالکیت فکری، عدم حمایت انحصاری از دارندگان حقوق مالکیت فکری، پیشرفت ادب، هنر، دانش، نوآوری و اختراع را در جامعه به صورت محسوس کاهش می‌دهد. در عین حال، چنین حمایت انحصاری‌ای با چالش عدم دسترسی عموم به اختراعات، فناوری، ادب، هنر و حتی در مواردی مهم‌تر، با خطرات محروم ساختن جامعه از دستاوردهای پزشکی و دارویی روبه‌روست. بنابراین لزوم اتخاذ تدابیر مناسب جهت ایجاد تعادل بین منافع عمومی و اشخاص پرننگ‌تر می‌شود. این مهم با تعیین حدود مرزهایی برای دارندگان حقوق، در راستای بهره‌گیری از حقوق اعطایی به ایشان تأمین خواهد شد.

در حقوق ایران، مسئله سوء استفاده از حقوق مالکیت فکری، مورد پژوهش چندانی واقع نشده و راهکارهای قانونی پیش‌روی این امر فاقد تئوری و دسته‌بندی هستند و صرفاً ضمانت اجرایی برای برخی مصادیق سوء استفاده از حق تلقی می‌شوند، مانند ماده ۱۷ قانون ثبت اختراعات ۱۳۸۶ که با بحث از اعطای مجوز اجباری، مانعی بر سر راه سوء استفاده از برخی حقوق انحصاری دارنده که معارض با منافع عمومی باشند، نهاده است.

نقص قانونی حقوق ایران را تنها در این فرض می‌توان توجیه نمود که قانون‌گذار بدون نام بردن از قاعده لاضرر و وجوه آن، نظریه سوء استفاده از حق را در مفهوم و معیار با این قاعده فقهی برابر دانسته و قاعده لاضرر را به لحاظ قلمرو دارای وسعت بیشتری قلمداد کرده

۴۶. محمود صادقی و منصور خاکپور، «موجبات اعطای مجوز اجباری بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۱، شماره ۴ (۱۳۸۶): ۱۳۶.

باشد. در این صورت، شائبهٔ مسامحه و بی‌توجهی قانون‌گذار به پدیدهٔ سوءاستفاده از حقوق مالکیت فکری برطرف می‌شود. در این بین، پیوستن به جریان‌های بین‌المللی، مانند کنوانسیون‌های اختصاصی حقوق مالکیت ادبی و هنری و یا حقوق مالکیت صنعتی و نیز سازمان تجارت جهانی و به‌تبع آن موافقت‌نامهٔ تریپس و دیگر اسناد مشابه، در هر حال، خالی از منفعت نخواهد بود.

در رویهٔ قضایی کشورهای غربی - به‌ویژه ایالات متحدهٔ آمریکا - به سوءاستفاده از حقوق مالکیت فکری توجه بیشتری شده و نظریهٔ دست‌های آلوده، نخست برای توجیه و تدوین سوءاستفاده از حق اختراع مطرح شد و سپس به دیگر حوزه‌های مالکیت فکری سرایت یافت. البته بحث از سوءاستفاده از حقوق مالکیت فکری، به‌خصوص معیار و مصادیق آن، تا به امروز نیز در کشورهای مذکور ادامه دارد و اجماع حقوقی حاصل نشده است.

به‌هرحال، به نظر می‌رسد که از عنوان سوءاستفاده از حقوق مالکیت فکری، هم در قالب دفاع از جانب ناقضان این حقوق در برابر دادگاه، و هم به‌عنوان یکی از استثنائات حقوق انحصاری دارنده می‌توان بهره گرفت.

سیاهه منابع

الف - منابع فارسی:

- حکمت‌نیا، محمود. مبانی مالکیت فکری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، [بی‌تا].
صادقی، محمود، و منصور خاکپور. «موجبات اعطای مجوز اجباری بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۱، شماره ۴ (۱۳۸۶): ۱۳۱-۱۶۴.
کریمی، عباس، و هادی شعبانی کندی. «رابطه منطقی قاعده فقهی لاضرر و قاعده غربی سوء استفاده از حق»، فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱، شماره ۲ (۱۳۹۳): ۱۳۵-۱۶۶.
معینی، حامد و سعیده قاسمی‌پور. «دکترین سوء استفاده از حق در مالکیت ادبی و هنری»، فصلنامه حقوق پزشکی (ویژانه حقوق مالکیت فکری) ۶ (۱۳۹۱): ۱۸۷-۲۰۸.
میرحسینی، سید حسن. حقوق اختراعات، تهران: میزان، ۱۳۸۷.

ب - منابع لاتین:

- Ahmad, Sahhh "Pannn: nvenodhhpp Vs wwnhhpp" Accessed on vember 21, 2020.
<https://www.tamimi.com/law-update-articles/patents-inventorship-vs-ownership>.
Alcatel USA, Incorporated v. Dgi Technologies, Inc. 166 F.3d 772, 1999.
American Patent Act. 35 United States Code,
<https://uscode.house.gov/view.xhtml?req=granuleid:USC-prelim-title35-section154&num=0&edition=prelim>
Assessment Technologies of WI, LLC v. WIREdata, Inc. 350 F.3d 640, 2003.
Atari Games Corp. v. Nintendo of America Inc. 975 F.2d 832, 1992.
Byers, Michael. "Abuse of Rights: An Old Principle, A New Age." *McGill Law Journal* 47 (2002) : 389-431.
Carl Zeiss Stiftung v. VEB Carl Zeiss, Jena, 293 F. Supp. 892, S.D.N.Y. 1968.
Edwin C. Hettinger, "Justifying Intellectual Property." *Philosophy and Public Affairs* 18, no. 1 (1989): 25-31.
Goldstrin, Paul. *Goldstein On Copyright*. 3rd edition, Boston: Aspen Publishers, 2005.
Japanese Law Translation. "Pannnt Ac.." Accessd Aplll 13, 2022.
<https://www.japaneselawtranslation.go.jp/en/laws/view/3118/en>
Justia. "Lasercomb America, Inc. v. Reynolds (1990)." Accessed January 17, 2020.
URL: <https://law.justia.com/cases/federal/appellate-courts/F2/911/970/14376>
Kobak, James B. *Intellectual Property Misuse: Licensing and Litigation*. Chicago: American Bar Association, 2000.
Lasercomb America, Inc. v. Reynolds, 911 F.2d 970. 1990.

- Lunney, Glynn. "Atari Games v. Nintendo: Does a Closed System Violate the Antitrust Laws." *Berkeley Technology Law Journal* 5, no.1 (1990): 29-73.
- M. Witmark and Sons v. Jensen, 80 F. Supp. 843, 1948.
- Miller, Fredric P., Agnes F. Vandome, and John McBrewster. *Anti-copyright: Anti-copyright, Copyright, Internet, Web 2.0, Information technology, Mashup (digital), Anarchist communism, Competition law, Artificial scarcity, Criticism of intellectual property*. [N.P]: Alpha Press, 2009. <https://dl.acm.org/citation.cfm?id=1823438>.
- Sterling, JAL. *World Copyright Law*. 2nd edition, London: Sweet & Maxwell. 2003.
- Stoll, Peter-Tobias, Jan Busche, and Katrin Arend. *WTO - Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights*. Leiden: Max Planck, 2009.
- The Department of Commerce. *Copyright Policy, Creativity, and Innovation in the Digital Economy*. [N.P]: Createspace Independent, 2014.
- Tritton, Guy., and Richard Davis. *Intellectual Property in Europe*. 3rd edition, London: Sweet & Maxwell, 2007.
- Vd&o Pp&eine, nnc. v. uu ena Voooo oo e nmm, nnc., 342 F.3d 191, 3d Cir. 2003.

